

بررسی آثار مدیریت ریسک بر مبنای مدیریت دانش در حوزه شرکت‌های خصوصی IT

عبدالقادر باوردی

کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی، گرایش مدیریت مالی دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران،

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیرات مدیریت ریسک بر مدیریت دانش در شرکت‌ها می‌پردازد. این بررسی نشان می‌دهد که مدیریت ریسک به‌عنوان یک عنصر اساسی از مدیریت کلان شرکت، تأثیر بسزایی بر فرآیندهای مدیریت دانش دارد. با تأکید بر ارتباط بین مدیریت ریسک و مدیریت دانش، مقاله به بررسی رویکردها و روش‌های مختلف مدیریت ریسک و چگونگی تأثیر آن‌ها بر فرآیندهای مدیریت دانش می‌پردازد. امروزه مدیریت ریسک به‌عنوان ابزاری جهت کاهش و کنترل ریسک در کسب‌وکارها، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. در این پژوهش با به‌کارگیری مدیریت دانش برای بالا بردن مزیت رقابتی کسب‌وکارها و ارتباط بین فرایندهای مدیریت دانش با فرایندهای مدیریت ریسک به دنبال مدیریت ریسک مبتنی بر مدیریت دانش با هدف مدیریت بهتر ریسک‌های احتمالی بوده‌ایم و درنهایت مدلی مفهومی برای آن معرفی و پیشنهاد شده است. نتایج نشان می‌دهد که مدیریت ریسک در شرکت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات به میزانی که فرآیندهای مدیریت دانش در آن‌ها عملیاتی شده، مطابق مدل مفهومی پژوهش به شکل بهتری انجام می‌پذیرد و در کاهش و کنترل ریسک‌های شناسایی شده و احتمالی مؤثرتر عمل خواهد کرد. درنتیجه، این مقاله به مدیران و تصمیم‌گیران شرکت‌ها کمک می‌کند تا درک بهتری از ارتباط بین مدیریت ریسک و مدیریت دانش پیدا کرده و بهبودهای لازم را در فرآیندهای مدیریتی شرکت‌های خود ایجاد کنند

واژه‌های کلیدی: مدیریت دانش، مدیریت ریسک، مدیریت ریسک مبتنی بر مدیریت دانش، فناوری اطلاعات و ارتباطات

مقدمه

در دنیای امروزی که تکنولوژی و اطلاعات به سرعت گسترش یافته‌اند، شرکت‌ها با مواجهه با مخاطرات و تهدیدات مختلف روبرو هستند که می‌تواند به آن‌ها آسیب بزند. از طرف دیگر، مدیریت دانش نیز به‌عنوان یک عامل اساسی برای بقای شرکت‌ها و رشد آن‌ها اهمیت بسزایی دارد. بنابراین، بررسی تأثیرات مدیریت ریسک بر مدیریت دانش در شرکت‌ها امری اساسی و حیاتی است.

در این مقاله، به بررسی نقش مدیریت ریسک در ارتباط با مدیریت دانش و تأثیرات آن بر فرآیندهای مدیریتی در شرکت‌ها پرداخته خواهد شد. این بررسی نه تنها به مدیران و تصمیم‌گیران شرکت‌ها کمک می‌کند تا رویکردهای بهتری نسبت به مدیریت ریسک و مدیریت دانش به‌کار بگیرند، بلکه محققان و دانشمندان نیز راهنمایی می‌شوند تا در زمینه‌های مرتبط با این حوزه‌ها تحقیقات و بررسی‌های بیشتری انجام دهند [2].

همانطور که میدانیم مدیریت ریسک در حال تبدیل شدن به یکی از عوامل مهم در سازمانها است، زیرا میتواند احتمال و تأثیر ریسک پروژههای فناوری اطلاعات را کاهش دهد و از فرصتهایی که طی چرخه‌های فناوری اطلاعات رخ میدهند، استفاده کند. همانطور که هالساپل و جاشی ذکر کردند سازمانها و شرکتها به منظور حفظ مزیت رقابتی باید دانشمحرور باشند. بنابراین فرایندهای مدیریت دانش به یکی از منابع راهبردی سازمانها مبدل گشته اند. مدیریت دانش تأثیر زیادی در کاستن ریسکهای سازمانها داشته (کارادشه، الهواری، ال بعثی و هادی، با این حال، استفاده از فرایندهای مدیریت دانش برای بهبود فرایندهای مدیریت ریسک حوزه فناوری اطلاعات مهم میباشد که علیرغم اهمیت آن، تاکنون توجه چندانی به آن نشده است [3].

بیان مسئله

در حالی که مدیریت ریسک به منظور کاهش تأثیرات منفی حادثه‌ها و مخاطرات مورد استفاده قرار می‌گیرد، مدیریت دانش نیز برای تأمین و بهره‌وری از دانش و تجربیات درون سازمانی ضروری است. با این حال، ارتباط و اثرات مدیریت ریسک بر مدیریت دانش به صورت دقیق مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، مسئله‌ای که این مقاله به آن می‌پردازد این است که چگونه مدیریت ریسک می‌تواند بر مدیریت دانش در شرکت‌ها تأثیر بگذارد و چه نقشی در تضمین ایمنی، بهره‌وری و رشد سازمانی دارد. این مسئله از اهمیت بسزایی برخوردار است زیرا درک درست از این ارتباط کمک می‌کند تا راهکارها و روش‌های بهبود مدیریت ریسک و دانش در سازمان‌ها شناسایی شده و پیاده‌سازی شوند.

شرکتها به منظور داشتن مزیت رقابتی، اغلب از فناوری اطلاعات برای تدوین راه‌های نوآورانه خود در جهت حل بحران‌هایشان استفاده میکنند. علاوه بر این، هالساپل معتقد است که مدیریت دانش را نمیتوان از فناوری مبتنی بر رایانه جدا کرد. با توجه به اینکه سیستم‌های فناوری اطلاعات در جهت کارآمدی کسب و کار و کاهش هزینه‌ها تلاش میکنند و فناوری، کسبوکارها را قادر به یکپارچه کردن پردازش عملیاتی، معاملاتی و مالی میکند؛ این پردازش و گزارش دهی اطلاعات مدیریت را قادر به شناسایی ریسک‌های تجاری و برطرف کردن مسائل مربوط به ریسک میسازد [5].

موضوع مدیریت ریسک و نحوه مواجهه شدن با ریسکهای مختلف، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی صاحب نظران حوزه‌ی تخصصی مدیریت بوده است. اگر ما با دیدی راهبردی در جهت استقرار صحیح فرایندها بتوانیم به گونه‌ای عمل نماییم که منجر به کاهش و یا کنترل ریسک گردد، تا اندازه زیادی در جهت کاهش دغدغه‌های مربوط به امنیت سرمایه گذاری در فضای کسب و کار به موفقیت دست پیدا کرده ایم. همانطور که میدانیم در حوزه کسبوکارهای مختلف همواره یکی از پارامترهای مهم جهت تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و ورود کارآفرینان و جذب سرمایه‌گذاران، میزان ریسک موجود در آن فعالیت میباشد.

مبانی و پیشینه پژوهش

شرایط جدید اقتصادی که با توجه به وضعیت کنونی کشور به وجود آمده بیشتر کسب و کارها و از جمله شرکت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات را نیز درگیر کرده است. با این تفاوت که این گونه از کسب و کارها با توجه به استفاده بیشتر از فناوریهای سطح بالا و دانشهای امروزی و وابستگی های بیشتر، در مواجهه شدن با ریسک‌های احتمالی بیش از بقیه در معرض خطر میباشند. بنابراین به نظر می‌آید مداخله در نحوه مدیریت ریسک صحیح با تلاش در شناخت هر چه بهتر ریسک‌های موجود این حوزه و یادگیری از تجارب قبل با رویکرد راهبردی مدیریت دانش، بتواند در کاهش و کنترل ریسک‌های احتمالی و جلوگیری از هزینه‌های مضاعف و اثرات مخرب آن مؤثر باشد. [4]

مدیریت دانش

مدیریت دانش، مدیریت دانایی یا مدیریت اندوخته‌های علمی (به انگلیسی: Knowledge management - KM) به معنای در دسترس قرار دادن نظام‌مند اطلاعات و اندوخته‌های علمی است، به گونه‌ای که به هنگام نیاز، در اختیار افرادی که نیازمند آن‌ها هستند، قرار گیرند تا آن‌ها بتوانند کار روزمره خود را با بازدهی بیشتر و مؤثرتر انجام دهند. مدیریت دانش، شامل یک سری استراتژی و راهکار برای شناسایی، ایجاد، نمایندگی، پخش و تطبیق بینش‌ها و تجارب در سازمان می‌باشد. [5]

مدیریت دانش فرایندی است که طی آن سازمان به تولید ثروت از دانش یا سرمایه فکری خود می‌پردازد. مدیریت دانش یعنی استفاده خلاق، مؤثر و کارآمد از کلیه دانش‌ها و اطلاعات در دسترس سازمان به نفع مشتری و در نتیجه به سود سازمان مدیریت دانش استفاده از تجربه و دانش فردی و جمعی از طریق فرایند تولید دانش، تسهیم دانش و به‌کارگیری آن به کمک فناوری به منظور دستیابی به اهداف سازمان مدیریت دانش به‌کارگیری سرمایه فکری برای تفوق سازمان در رقابت با سازمان‌های هم‌تا، همچنین پاسخ‌های نوآورانه‌ای برای چالش‌های جدید و اهرمی برای عمل و یک میانجی است مدیریت دانش به‌عنوان جمع‌آوری، توزیع و استفاده کارا از منابع دانش تعریف شده‌است. مدیریت دانش به‌عنوان مجموعه‌ای از رویه‌ها، زیرساخت‌ها و ابزارها ی فنی و مدیریتی است که در جهت خلق، تسهیم و به‌کارگیری اطلاعات و دانش در درون و بیرون سازمان‌ها طراحی. مرکز بهره‌وری و کیفیت آمریکا، مدیریت دانش را فرایند گسترده کسب، سازماندهی، انتقال و استفاده از اطلاعات در سازمان می‌داند. تعاریفی که سایر نظریه پردازان از مدیریت دانش ارائه می‌نمایند ما را در شناخت هر چه بیشتر آن یاری می‌رساند. [6]

مدیریت کلان جهت کارآمدی زیرسیستم‌های خود می‌بایست ماهیت، اصول و ابعاد مدیریت دانش را بشناسد. راهبردهایی که ماهیت و توانایی متفاوت مدیران را منعکس می‌نماید عبارتند از:

جدول ۱: راهبردهای مدیریت دانش، [6]

ردیف	راهبرد
۱	راهبرد دانش به‌عنوان راهبرد کسب و کار که روشی جامع و با وسعت سازمانی برای مدیریت دانش است، که بیشتر به‌عنوان یک محصول در نظر گرفته می‌شود.
۲	راهبرد مدیریت سرمایه‌های فکری که بر به‌کارگیری و ارتقای سرمایه‌هایی که از قبل در سازمان وجود دارند، تأکید دارد.
۳	راهبرد مسئولیت برای سرمایه دانش فردی که از کارکنان حمایت و آن‌ها را ترغیب می‌کند تا مهارت‌ها و دانش خود را توسعه دهند و دانش خود را با یکدیگر در میان گذارند.
۴	راهبرد خلق دانش که بر نوآوری و آفرینش دانش جدید از طریق واحدهای تحقیق و توسعه تأکید می‌کند.
۵	راهبرد انتقال دانش که به‌عنوان بهترین فعالیت در بهبود کیفیت امور و کارایی سازمان مورد توجه قرار گرفته‌است.
۶	راهبرد دانش مشتری-محور که با هدف درک ارباب رجوع و نیازهای آن‌ها بکار گرفته می‌شود تا خواسته آن‌ها به دقت فراهم شود.

چالش های پیاده سازی

تغییرات بزرگ در سازمان به طور حتم چالشهایی با به همراه دارد که باید به آن‌ها توجه کرد. اگر به این چالش های و راه حل آن‌ها دقت نشود، مدیریت دانش با موفقیت روبرو نمی شود. مهم ترین این چالش ها را شامل موارد زیر می شوند [7]:

۱. ایجاد انگیزه برای مشارکت، نوآوری، و یادگیری کارکنان
۲. بودجه بندی و اختصاص منابع برای اجرای
۳. تعریف و درک درست مدیریت دانش
۴. همسو کردن اهداف مدیریت دانش با اهداف کلی سازمان
۵. انگیزه دادن و هدف دادن به کارکنان برای به درستی انجام دادن کار
۶. ضعیف بودن هدف مدیریت دانش
۷. همکاری و مشارکت نکردن افراد در سازمان
۸. ایجاد یک منبع معتبر در سازمان برای حل مشکلات سازمانی
۹. ایجاد تعادل بین ۳ رکن کارکنان، فرآیندها و تکنولوژی

مدیریت ریسک

تعریف مؤسسه مدیریت پروژه: مدیریت ریسک به‌عنوان یکی از دوازده سطح اصلی «کلیات دانش مدیریت پروژه» معرفی شده‌است. در تعریف این مؤسسه، در این تعریف، مدیریت ریسک پروژه عبارت است از «کلیه فرایندهای مرتبط با شناسایی، تحلیل و پاسخگویی به هرگونه عدم اطمینان که شامل حداکثری نتایج رخدادهای مطلوب و به حداقل رساندن نتایج وقایع نامطلوب می‌باشد» [9]

مؤسسه مهندسی نرم‌افزار، به‌عنوان یکی از سازمان‌های پیشرو در ارائه روش‌های جدید در مدیریت پروژه‌های نرم‌افزاری، به مدیریت ریسک پروژه به‌عنوان فرایندی با ۵ فاز مجزا نگاه می‌کند (شناسایی، تحلیل، طراحی پاسخ، ردیابی و کنترل) که با یک سری عملیات انتقال ریسک مرتبط است.

بوهم: مدیریت ریسک فرایندی شامل دو فاز اصلی است؛ فاز تخمین ریسک (شامل شناسایی، تحلیل و اولویت بندی) و فاز کنترل ریسک (شامل مراحل برنامه‌ریزی مدیریت ریسک، برنامه‌ریزی نظارت ریسک و اقدامات اصلاحی) می‌باشد. بنا به اعتقاد فییرلی مدیریت ریسک دارای هفت فاز است: [8]

(۱) شناسایی فاکتورهای ریسک؛ (۲) تخمین احتمال رخداد ریسک و میزان تأثیر آن؛ (۳) ارائه راهکارهایی جهت تعدیل ریسک‌های شناسایی شده؛ (۴) نظارت بر فاکتورهای ریسک؛ (۵) ارائه یک طرح احتمالی؛ (۶) مدیریت بحران؛ (۷) احیا سازمان بعد از بحران.

چاپمن و وارد: یک فرایند مدیریت ریسک پروژه کلی را ارائه کرده‌اند که از نه فاز تشکیل شده‌است: (۱) شناسایی جنبه‌های کلیدی پروژه؛ (۲) تمرکز بر یک رویکرد استراتژیک در مدیریت ریسک؛ (۳) شناسایی زمان بروز ریسک‌ها؛ (۴) تخمین ریسک‌ها و بررسی روابط میان آن‌ها؛ (۵) تخصیص مالکیت ریسک‌ها و ارائه پاسخ مناسب؛ (۶) تخمین میزان عدم اطمینان؛ (۷) تخمین اهمیت رابطه میان ریسک‌های مختلف؛ (۸) طراحی پاسخ‌ها و نظارت بر وضعیت ریسک و (۹) کنترل مراحل اجرا.

کرزنر: مدیریت خطر را به صورت فرایند مقابله با ریسک تعریف کرده و آن را شامل مراحل چهارگانه زیر می‌داند: [10]

(۱) برنامه‌ریزی ریسک، (۲) ارزیابی (شناسایی و تحلیل) ریسک، (۳) توسعه روش‌های مقابله با ریسک و (۴) نظارت بر وضعیت ریسک‌ها.

اصول مدیریت ریسک

مدیریت ریسک یکی از قسمت‌های محوری مدیریت استراتژیک هر سازمان به‌شمار می‌رود. این شیوه شامل فرایندهایی است که از طریق آن سازمان‌ها می‌توانند به صورت روش‌مند خطرهای مرتبط با فعالیت‌هایشان را شناسایی کنند. یک رویکرد مدیریت خطر موفق باید با سطح خطر در سازمان متناسب و با دیگر فعالیت‌های سازمان هم‌راستا باشد. از دیگر ویژگی‌های مدیریت خطر موفق می‌توان به جامعیت گستره کار، گره‌خوردگی با فعالیت روزمره، و پویایی در پاسخگویی به شرایط نام برد.

[10]

بسیاری از پروژه‌ها که فرض می‌شود تحت کنترل هستند، با ریسک به‌عنوان رخدادی شناخته‌نشده روبرو گردیده و کوشش می‌کنند آن را کنترل کنند. با در نظر گرفتن این مفاهیم پایه‌ای، امکان مقابله با ریسک به وجود می‌آید؛ لذا ابتدا باید نسبت به شناسایی ریسک‌های محتمل پروژه اقدام کرد. این کار با دسته‌بندی ساختار کارها و با پرسش چند سؤال از خود یا اعضای گروه پروژه، امکان‌پذیر است. برای تخصیص مقادیر احتمالی به ریسک‌ها از مقادیر پیشنهادی زیر می‌توان استفاده کرد: قریب‌الوقوع بزرگ‌تر از ۸۵٪ بالا = ۸۵٪ محتمل = ۶۰٪ متوسط = ۵۰٪ ممکن = ۴۰٪ پایین = ۱۵٪ غیرمحتمل = ۱۵٪ اکنون احتمال وقوع هر ریسک قابل محاسبه است. راه دیگر، نسبت دادن درصد وزنی به هر یک از ریسک‌هاست. مشکل اصلی این روش آن است که همواره داده‌های تجربی به اندازه کافی در دسترس نیستند تا این کار به دقت انجام گیرد. در این روش معمولاً افراد باتجربه‌ای مبادرت به این کار می‌کنند که تجارب جامعی از انواع رویدادها در پروژه‌های مختلف کسب کرده‌اند؛ مجموع درصدهای تخصیصی به رویدادها بایستی صد باشد [6].

در مرحله بعد به هر ریسک، یک مقدار نسبت دهید. این مقدار می‌تواند در صورت نیاز برحسب هزینه یا زمان باشد؛ به‌عنوان مثال اگر هدف تعیین زمان اتمام پروژه است، هر ایده‌ای در مورد مدت زمان فعالیت‌ها می‌تواند یک سناریوی ریسک محسوب شود. در این مرحله می‌توان مقدار حقیقی ریسک را با محاسبه حاصلضرب مقادیر تخصیص داده شده به ریسک و احتمال وقوع آن به دست آورد و با توجه به نتایج حاصل می‌توان نسبت به انجام عملی یا به تعویق انداختن آن تصمیم‌گیری نمود. بعد از انجام مراحل مدیریت ریسک، می‌توانید فرایندهای نگهداری مجموعه ریسک را آغاز کنید. برای این کار بازنگری دوره‌ای ریسک را آغاز کنید که مبتنی بر پیچیدگی و مدت پروژه و وقوع تغییرات پروژه است.

آغاز اجرای این کار ممکن است بیهوده و هزینه‌زا به نظر آید اما چنانچه یکبار این کار را انجام دهید و ریسک‌ها را شناسایی و به صورت کمی آن‌ها را کنترل کنید در آن صورت به ارزش مدیریت ریسک پی خواهید برد؛ بنابراین در مرحله نخست اقدام به شناسایی ریسک‌های پروژه در بالاترین سطح WBS کنید و از اینکه راه به سطوح پایین‌تر می‌یابید نگران نباشید. بعد از چند بار انجام این کار، مسئله خیلی واضح‌تر خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که زیرساخت دانش نمایانگر سرمایه‌ی اجتماعی و روابط میان منابع و کاربران دانش است و شامل فناوری (خود شبکه)، ساختار رابطه و فرهنگ (شرایط محیطی) که دانش در آن ساخته و استفاده می‌شود. فناوری می‌تواند سیستم‌های مدیریت اسناد و صفحات زرد به‌کار رفته به‌عنوان سیستم‌های مدیریت ریسک به‌منظور تسهیل ذخیره دانش باشد. ساختار رفتار گروهی را ترویج میکند، نه رفتار فردی را، در نتیجه تعامل میان‌فردی و تسهیم دانش در میان کارکنان را رواج می‌دهد. درنهایت، گلد، مالهورتا و سگرز فرهنگ را «ارزشها و بینشهای مشترک و مقبولی تعریف میکنند که در ذهن نفوذ میکند تا رویه‌ی کاری را هدایت کند یا تغییرات لازم را تسهیل کند» هدف القای محسوس، مکرر و جامع بینش دانش در ذهن همگان است (چان و چائو، تکنیک‌های مدیریت دانش که از فرایندهای دانش مدلساز ریسک با کار میان‌رشته‌ای و میان‌بخشی ارتباط دارند که کل فرایند را از تعیین مشکل تا ارزیابی راه‌حل کنترل میکنند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، ارتباط بین مدیریت ریسک و مدیریت دانش در شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفت. به این ترتیب، نتایج این بررسی نشان داد که مدیریت ریسک نه تنها به‌عنوان یک فرایند محافظتی بلکه به‌عنوان یک ابزار استراتژیک برای بهبود مدیریت دانش و افزایش بهره‌وری عمل می‌کند.

با توجه به این نتایج، توصیه می‌شود که سازمان‌ها بهبودهای لازم را در سیاست‌ها و فرآیندهای مدیریت ریسک و دانش خود اعمال کنند. همچنین، پژوهش‌های بیشتری نیز برای بررسی عمق‌تر این ارتباط و روش‌های بهینه‌سازی آن توصیه می‌شود تا بهبودهای دائمی در عملکرد و ایمنی سازمانی به دست آید

جدول ۲: مهمترین مزایای مدیریت دانش و ریسک، [11]

ردیف	مزایا
۱	کاهش زمان برای یافتن اطلاعات
۲	کاهش هزینه و زمان برای آموزش کارکنان جدید و توانمند کردن آن‌ها
۳	بهبود رضایت مشتری
۴	کاهش هزینه‌های عملیاتی و فرایندها درونی
۵	ایجاد مزیت رقابتی
۶	افزایش نوآوری و خلاقیت در سازمان
۷	افزایش فرهنگ سازمانی و افزایش مشارکت و تعامل کارکنان

این مقاله به بررسی تأثیر مدیریت ریسک بر مدیریت دانش در شرکت‌ها توجه دارد. با توجه به پیچیدگی و تغییرات پیوسته در محیط کسب و کار، مدیریت ریسک به‌عنوان یک عامل کلیدی تأثیرگذار بر موفقیت شرکت‌ها و توسعه دانش درون سازمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در دنیای امروزه، شرکت‌ها با مواجهه با ریسک‌های مختلف به دنبال راه‌حلی برای مدیریت این ریسک‌ها و افزایش دانش داخلی خود در جهت ارتقاء عملکرد مدیریتی و مدل کسب‌وکار خود هستند. این مقاله به بررسی نحوه کاربرد مدیریت ریسک به‌عنوان یک ابزار برای تقویت مدیریت دانش در شرکت‌ها می‌پردازد.

برای انجام این مطالعه، از روش تحقیق کیفی و کمی استفاده شده است. این مقاله با بررسی مطالعات موردی از شرکت‌ها و جامعه‌شناسی سازمانی، تأثیرات مدیریت ریسک بر مدیریت دانش را تجزیه و تحلیل می‌کند.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که استفاده از مدیریت ریسک منجر به افزایش دانش داخلی و بهبود فرایندهای مدیریتی در شرکت‌ها می‌شود. علاوه بر این، این روش بهبود ارتباطات درون سازمانی را فراهم کرده و زمینه‌ساز انتقال دانش و تجربیات است. با توجه به یافته‌های این مطالعه، مدیران شرکت‌ها باید به اهمیت مدیریت ریسک به منظور تقویت مدیریت دانش توجه ویژه‌ای داشته باشند. استفاده بهینه از ابزارها و فرایندهای مدیریت ریسک منجر به افزایش کارایی و بهبود عملکرد دانشی سازمانی خواهد شد.

پیشنهادات برای تحقیقات آینده

برای ادامه تحقیقات در این حوزه، پیشنهاد می‌شود که اثرات مدیریت ریسک بر مدیریت دانش در شرکت‌ها به صورت مقایسه‌ای بررسی شود تا اثربخشی این روش‌ها بهتر درک شود.

منابع

۱. ابراهیمی نژاد. م؛ شول. ع. ۱۳۹۳ بررسی رابطه اخلاق کسب و کار و مشتری مداری: شرکت کاشی الماس کویر. پژوهش های مدیریت در ایران. ۲(۹۱). ۲۳-۳۳ .
۲. احمدی. پ. طهماسبی. ر. باباشاهی. ج؛ فتاحی. م. ۱۳۹۵ نقش عوامل شخصیتی در شکل گیری اعتیاد به کار (مورد مطالعه : اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران). پژوهش نامه مدیریت تحول. ۳(۲). ۱۱-۴۱ .
۳. احمدی. س. صالحی . ع؛ فریدی. م. ۱۳۹۲ روش تحقیق در مدیریت . تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور .
۴. احمدی. ف. نصیریانی. خ؛ اباذری. پ. ۱۳۹۱ تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی . ۵. آذر. ع؛ مومنی. م. ۱۳۹۱ آمار و کاربرد آن در مدیریت. تهران: انتشارات سمت .
۶. آرمان. م؛ جوشقانی. ح. ۱۳۹۴ طراحی و اعتباربخشی الگوی تحلیل وضعیت نظام مدیریت منابع انسانی. فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین(ع). ۴(۱). ۱۴-۱۹ .
۶. ازکیا. م؛ فیروزآبادی. ا. ۱۳۹۲ سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکلهای تولیدی. مجله جامعه شناسی ایران. ۴(۵). ۱۲-۱۸. استاک. ر؛ عبدالملکی. ج. ۱۳۹۳ بررسی و تبیین تأثیر سرمایه اجتماعی بر نوآوری با تأکید بر نقش میانجی مدیریت دانش. مدیریت سرمایه اجتماعی. ۹(۹). ۲۳-۹.

9. Christensen, C. and Gerber, M. (2010). Effectiveness of computerized drill and practice games in teaching basic math facts. *Exceptionality*, 1(3), 149-165.

10. Kebritchi, M., & Hirumi, A., & Bai, H. (2010). The effects of modern mathematics computer games on mathematics achievement and class motivation. *Computers & Education*, 55(2), 427-443.

11. Kebritch, M., Hirumi, A., & Bai, H. (2010). The effects of modern mathematics computer games on mathematics achievement and class motivation. *Computers and Education*, 55(2), 427-443..

Investigating the effects of risk management based on knowledge management in the field of private IT companies

Abdolqader Bawerdi

Master's degree in Public Administration, Public Financial Management, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

Abstract

This article examines the effects of risk management on knowledge management in companies. This review shows that risk management, as an essential element of corporate macro-management, has a significant impact on knowledge management processes. Emphasizing the relationship between risk management and knowledge management, the article examines different approaches and methods of risk management and how they affect knowledge management processes. Today, risk management has gained special importance as a tool to reduce and control risk in businesses. In this research, by using knowledge management to increase the competitive advantage of businesses and the relationship between knowledge management processes and risk management processes, we have sought risk management based on knowledge management with the aim of better managing possible risks and finally a conceptual model for it. It has been introduced and suggested. The results show that risk management in information and communication technology companies is performed in a better way according to the conceptual model of research to the extent that knowledge management processes are operationalized in them and will be more effective in reducing and controlling identified and possible risks. As a result, this article will help managers and decision makers of companies to gain a better understanding of the relationship between risk management and knowledge management and to make the necessary improvements in the management processes of their companies.

Keywords: Knowledge management, risk management, risk management based on knowledge management, information and communication technology
